

هنوز می پرسند اسلام اقتصاد دارد یا ندارد؟!

گفت و گو با آیت الله مهدی هادوی تهرانی

حسن صدرایی عارف

برای بررسی و نقد دیدگاه‌های اقتصادی شهید صدر، سراغ مهدی هادوی تهرانی، رئیس مؤسسه «رواق حکمت» و از اساتید حوزه علمیه قم رفتیم. البته سابقه مطالعاتی و تألیف‌های ایشان در حوزه اقتصاد، به خصوص کتاب مکتب و نظام اقتصادی اسلام، گفت و گوی ما را به اندیشه‌های شهید صدر محدود نکرد. آیت الله هادوی تهرانی در گفت و گو با «گفت‌مان الگو»، از ایده‌های خود در زمینه اقتصاد اسلامی نیز سخن گفت.

یکی از مباحث مهم در کتاب «اقتصادنا»ی شهید صدر، مکتب اقتصادی اسلام است. از طرفی جناب عالی نیز در این زمینه کتابی تحت عنوان «مکتب و نظام اقتصادی اسلام» تألیف کرده‌اید. به عنوان سؤال نخست، درباره این موضوع صحبت کرده و تفاوت آن با نظام اقتصادی را بیان فرمایید.

نسبت به این سؤالی که فرمودید، مقدمه کوتاهی عرض کنم. در سال ۶۶ یا ۶۷ قرار شد که در دارالقرآن حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) اجلاسی در باب قرآن با عنوان «قرآن و وسایل اجتماعی» برگزار شود. کمیته علمی این اجلاس حضرت آیت الله سبحانی و مرحوم حضرت آیت الله معرفت، جناب آقای خوشنویس، آقای هادی توکل و یک نفر دیگر از دوستان که من الآن نامش خاطر من نیست و بنده بودیم. در آن جا وقتی تقسیم کار شد، بحث قرآن و اقتصاد به من محول شد. ما برای اینکه برای آن اجلاس مطلبی را که در گروه تخصصی قرآن و اقتصادی تشکیل شده بود، آماده کنیم، یک سری سؤال اقتصادی طرح کردیم و به دوستان گفتیم شما با این سؤالات اقتصادی به سراغ قرآن کریم بروید و ببینید چه جواب‌هایی راجع به این سؤالات به دست می‌آورید؟

دوستان به سراغ قرآن رفتند و یک مجموعه آیات در جواب سؤالات اقتصادی به دست آوردند. بعد ما با این سؤال مواجه شدیم که حالا چگونه این آیات را سامان دهیم؟ الگویی که ما آن زمان به دوستان پیشنهاد دادیم، یکی از دوستان و شاگردان من به نام آقای کاشفی که طلبه فاضلی بود، به خاطر آثاری که در جنگ برای او پیش آمده بود و شیمیایی شده بود، به شهادت رسید. من به ایشان گفتم شما الگوی کار را «اقتصادنا»ی آقای صدر قرار دهید و بر اساس آن، آیات قرآن کریم را در این قالب بیاورید. ایشان بعد از اینکه این کار را انجام داد، به من گفت: فقط بخشی از آیات قرآن در قالب شهید صدر قرار می‌گیرد و بخشی

نمی‌گیرد. این جا بود به این نتیجه رسیدیم به الگویی برای ساماندهی مباحث در حوزه اقتصادی نیاز داریم. این بحث، ما را به سمتی برد که به الگویی برای کل مباحث در حوزه علوم انسانی دست پیدا کردیم و اسم آن را «نظریه اندیشه مدون در اسلام» گذاشتیم. بر اساس این نظریه، آیات قرآن کریم را برای آن اجلاس سامان دادیم و محصول آن، کتاب «ساختار کلی نظام اقتصادی اسلام در قرآن» شد. این کتاب که فکر می‌کنم در سال ۸۸ چاپ شد، در سال ۶۸، یعنی بیست سال قبل از آن، تحت عنوان یک مقاله در مجموعه مقالات آن اجلاس منتشر شده بود. وقتی این کتاب منتشر شد، در رسانه‌های کشور به عنوان اینکه یک دیدگاه جدید در حوزه اقتصاد اسلامی مطرح شده است، مورد توجه قرار گرفت.

نظریه اندیشه مدون، یک نظریه راهنما برای علوم انسانی اسلامی است. البته قبل از اینکه ما این نظریه را مطرح کنیم، حدود ۱۵ سال قبل در جلسهای که با حضرت آیت الله مصباح یزدی و حضرت آیت الله امینی راجع به همین موضوع داشتیم، اولین جمله‌ای که حضرت آیت الله مصباح یزدی فرمودند این بود که «این نوع نظریه پردازی در حدی که من اطلاع دارم، در تاریخ اسلام بی سابقه است و من اصلاً مشابه آن را در طول تاریخ اسلام ندیده‌ام». در کتاب «مکتب و نظام اقتصادی اسلام» در ۴ فصل و بخش این بحث را مطرح کردیم؛ در بخش اول، نظریه اندیشه مدون را توضیح داده‌ایم که در واقع به این سؤال حضرت تعالی در آنجا جواب داده‌ایم که مکتب و نظام اقتصادی با هم چه تفاوتی دارند و بعد در بخش دوم و سوم، به مکتب و در بخش چهارم به نظام پرداخته‌ایم.

بنا بر نظریه اندیشه مدون، مفاهیمی را که در حوزه اقتصاد در اسلام وارد شده است، طبقه‌بندی می‌کنیم. یک بخش مفاهیمی است که ناظر بر واقعیت‌های خارجی است، مثل اینکه خداوند تبارک و تعالی رزاق است؛ رزاقیت الهی یک واقعیت خارجی است که ربطی به اعتبارات شرعی ندارد و یک حقیقت واقعی است. در مقابل این مفاهیم، مفاهیمی داریم که به نحوی اعتبارات شرعی هستند که ما این‌ها را به دو بخش تقسیم کرده‌ایم؛ یک بخش را مکتب نامگذاری کرده‌ایم و بخش دیگر را نظام. مکتب شامل مبانی و اهداف است؛ مثلاً عدالت اقتصادی از اهداف اسلام در حوزه اقتصاد است. اسلام تفاوت مردم در برخورداری از امکانات اقتصادی را پذیرفته است؛ یعنی بالاخره عده‌ای بیشتر و عده‌ای هم کمتر از این امکانات برخوردار می‌شوند؛ اما در اسلام تلاش بر این است که فاصله بین فقیر و غنی در حد معقولی باقی بماند و این شکاف خیلی زیاد نشود. بحرانی که ما در جامعه سرمایه‌داری با آن مواجه هستیم که ۹۹ درصد جامعه، یک درصد امکانات اقتصادی را در اختیار داشته باشند و یک درصد جامعه، ۹۹ درصد امکانات اقتصادی را، این چنین اتفاقی نیفتد و این شکاف پیدا نشود. این اهداف اقتصاد اسلامی است. مبانی هم یعنی یک سری چیزهایی که اسلام در حوزه اقتصاد